

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: مانلیو دینوچی - par Manlio Dinucci

برگردان از: حمید محوی

۱۷ اکتوبر ۲۰۱۴

«هنر جنگ»

هانگ کانگ زیر چتر

از دوران تلاش کودتای طرفدار ایالات متحده به رهبری ژائو زیانگ (Zhao Ziyang) (که در غرب به عنوان «جنبش دموکراتیک» تیان من شهرت یافت) و واشنگتن وسیع ترین جریان بی ثبات سازی چین را آغاز کرده است. هدف آن هانگ کانگ است زیرا این سرزمین تنها بخشی از چین است که نیازی به ویزا ندارد. مانلیو دینوچی در اینجا فریبکاری بنیاد ملی دموکراسی (NED) را مورد بررسی قرار می دهد.

شبکه ولتر / رم (ایتالیا) / ۷ اکتوبر ۲۰۱۴



در مقابل «انقلاب چترها» (تعریف ساخت ایالات متحده آمریکا است) دولت بریتانیا در مورد هانگ کانگ اظهار نگرانی کرد و خواهان تضمین «حقوق بنیادی و آزادی های بنیادی» شد.

درس های لندن.

در قرن نوزدهم انگلیس ها برای نفوذ در چین تجارت تریاک را راه اندازی کردند. این ماده مخدر از هند صادر می شد و خسارات اقتصادی و اجتماعی عظیمی به بار آورد. وقتی مقامات چینی انبار تریاک را در بندر کانتون توقیف کردند و

سپس به شعله های آتش سپردند، انگلیس به شکل نظامی واکنش نشان داد و سال ۱۸۴۲ دولت چین را مجبور کرد که معاهده نانکین را امضاء کند. بر اساس این معاهده می بایستی هانگ کانگ به بریتانیای کبیر واگذار شود.

از این پس تا سال ۱۹۹۷ هانگ کانگ به سرزمین های استعماری بریتانیا ضمیمه شد. انحصارات بریتانیایی از چینی ها بهره کشی کردند، و حتی عبور و مرور چینی ها به مناطق مسکونی بریتانیایی ها ممنوع شد. اعتصاب و شورش های متعددی بر پا شد ولی جملگی به شدت سرکوب شد. پس از تولد جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹، پکن خواهان حاکمیت خود بر هانگ کانگ شد، و در عین حال از این بندر بازرگانی برای گسترش مراودات استفاده می کند. هانگ کانگ به عنوان منطقه ویژه کشوری با ۷.۳ میلیون جمعیت به چین تقریباً ۱.۴ میلیاردی بازگشت. درآمد سرانه افراد در هانگ کانگ به طور متوسط ۳۸۴۲۰ دالر در سال است، یعنی بالاتر از ایتالیا و تقریباً ۶ برابر چینی ها. چنین معادله ای به این علت است که هانگ کانگ به عنوان بندر بازرگانی چین، دهمین صادر کننده کالا و یازدهمین در زمینه خدمات بازرگانی در جهان است.

علاوه بر این، سالانه بیش از ۵۰ میلیون گردشگر از هانگ کانگ دیدن می کنند که ۳۵ میلیون نفر از آنها چینی هستند. رشد اقتصادی، گرچه به شکل نابرابر تقسیم می شود (پرولتاریای نازل محلی و خارجی که برای تأمین معاش کارهای موقتی و نازل را به عهده می گیرند) به بهبود عمومی شرایط زیستی انجامیده است، به شکلی که میزان امید به زندگی به ۸۴ سال افزایش یافته (نسبت به چین که در مرز ۷۵ سال است).

جنبش دانشجویی که در هانگ کانگ به راه افتاده، خواهان انتخاب مستقیم رئیس دولت است و قید و شرط های پکن را بی مورد می داند. این جنبش از جوانان طبقات مرفه و صاحب امتیاز حاصل از رشد اقتصادی تشکیل شده است. در این جا پرسش بنیادی چنین است: چرا، در حالی که صد ها میلیون نفر در سراسر جهان هر روز باید برای مقدماتی ترین نیازها و حقوق انسانی خود مبارزه کنند، چند هزار دانشجوی هانگ کانگ با فراخاست هائی که مطرح کرده اند، باید به نماد مبارزه برای دموکراسی در جهان تبدیل شوند؟

پاسخ را باید در واشنگتن جست و جو کنیم.

منابع الهام بخش و رؤسای آن جریانی که به عنوان « جنبش بی رهبر » تعریف شده است — با پرونده های ضخیمی که در این زمینه وجود دارد — به وزارت امور خارجه ایالات متحده و نهادهای وابسته به آن مانند « سازمان های غیر دولتی » (ONG)، به ویژه «بنیاد ملی دموکراسی» (« *National Endowment for Democracy* » (NED)) و شبکه وابسته به آن مؤسسه ملی برای گسترش دموکراسی در امور بین المللی « *National Democratic Institute for International Affairs* » (NDI) که بودجه های سنگینی در اختیار دارد و «گروه های دموکراسی خواه غیر دولتی» را در بیش از ۱۰۰ کشور جهان تأمین مالی می کند.

در این جا به نمونه بین نمونه های بی شمار دیگر بسنده می کنیم.

بنی تای Benny Tai استاد دانشگاه هانگ کانگ که این جنبش را راه اندازی کرده است « *Occupy Central* » (ببینید *du 27 septembre South China Morning Post le*) زیرا به مدد یک سری فضای های اینترنتی و تالار های گفت و گو نفوذ کرد که توسط همین سازمان های غیر دولتی تأمین مالی و پشتیبانی شده بود.

مارتین لی Martin Lee، بنیانگذار «حزب دموکرات» هانگ کانگ توسط «بنیاد ملی دموکراسی» (NED) به واشنگتن فرستاده شد و پس از یک جلسه تلویزیونی (۲ اپریل) روز ۷ اپریل توسط معاون رئیس جمهور بایدن Biden در کاخ سفید مورد استقبال قرار گرفت.

چنین مواردی و بسیاری دیگر استراتژی مشابه به «انقلاب های رنگی» در شرق اروپا (مترجم : بی آن که جنبش سبز در خاورمیانه ایران را فراموش کنیم) که با ابزار سازی جنبش دانشجویی در پی بی ثبات سازی هانگ کانگ بوده و در عین حال جنبش های مشابهی را بین اقلیت های ملی و قومی مناطق مختلف چین ایجاد می کند.

منبع:

<http://www.voltairenet.org/article185527.htm>

گاهنامه هنر و مبارزه

۱۶ اکتوبر ۲۰۱۴

L'art de la guerre »

Hong Kong, sous les parapluies